

## کارگران ایران و جبهه مردم سالاری

### کارگران ایران

در ماه مه امسال، تجربه خونین و دردناکی، پیش روی شما، قرار گرفته است: عراق به اشغال قوای دو قدرت سلطه جو در آمده است. می بینید که پیش از جنگ، در محاصره مرگ آور عراق، و در جریان جنگ و در هفته های اول بعد از جنگ، قربانیان زحمتکشان عراق بوده اند. شما نیازمند این درس تجربه نبودید. زیرا سلطه انواع استبدادها و سازمانهای زورمدار و وابسته را آزموده اید و نیک می دانید که قربانیان استبدادها، مرام ادعائی هرچه باشد، زحمتکشان هستند. با وجود این، حضور قوای آمریکا در عراق و آنچه بر زحمتکشان عراق می رود، تصدیق درس تجربه ایست که مردم ایران کرده اند و می کنند:

زور، هر رنگ که بپذیرد، چه داخلی و خواه خارجی، راه حل نیست. بن بست است که تنها با آزاد شدن می توانش گشود و تا وقتی آن را نگشائی، در آن، سلطه گران قربانی بر قربانی می افزایند و پر شمارترین قربانیان زحمتکشان می شوند.

### زحمتکشان ایران!

می دانید که مدافعان نظام سرمایه داری لیبرال، از پایان تاریخ دم می زنند و می گویند اگر این نظام آرمان نباشد، بزعم گروهی خوب و بزعم جمعی، کمترین بد است. آنان مدعی می شوند که می خواهند مردم سالاری موجود در نظام سرمایه داری لیبرال را در همه جا مستقر کنند و می گویند تجربه نشان داد که کارگران و دیگر زحمتکشان در این نظام بهتر زندگی می کنند. حقوق انسانی خویش را یافته اند و از امنیت های شغلی و مالی و سیاسی و قضائی و اجتماعی و امکانهای رشد، برخوردارتر هستند. رژیم ملاتاریا، بخصوص از حکومت آقای هاشمی رفسنجانی بدین سو، این ادعا را سیاست اقتصادی و اجتماعی خود گرداند. دیدید که فساد گسترده و وضعیت شما زحمتکشان را، از هر جهت، بدتر کرد. نه گمان کنید چون فاسد بودند نتوانستند نسخه صندوق بین المللی پول و بانک جهانی را خوب اجرا کنند. زیرا، الف - اگر فاسد نبودند چنین سیاستی را به اجرا نمی گذاشتند و ب - بر فرض هم که فاسد نبودند و از راه نادانی نسخه را پذیرفته و به اجرا گذاشته بودند، چنین سیاستی، باز، ۴۰ درصد و بیشتر تولید ناخالص داخلی را رانت می گرداند و به جیب رانت خوارها می ریخت.

در حقیقت، نباید پنداشت که قدرت (= زور) خنثی است اگر به دست طرفدار زحمتکش بیفتد، در خیر او و اگر در دست صاحب امتیاز قرار بگیرد، بسود او و به زیان کارگر، بکار می رود. زیرا قدرت خنثی وجود ندارد. قدرت از رابطه میان زور گو و زور شنو پدید می آید. اگر اکثریت زور شنو نباشد، قدرت بوجود نمی آید. یکی از اشکال قدرت، سرمایه داری است. بنابر این، اگر چند میلیارد انسان قدرت را اصیل بشمارند، این شکل و محتوی از قدرت، که از راه مرگ و ویرانگری بزرگ می شود، در وجود نمی آید. تجربه قرن بیستم، سه درس بزرگ را به زحمتکشان جهان آموخته است، اگر بکار برند:

۱- قدرت «کارگر» وجود ندارد. قدرت همواره ضد کارگر و زحمتکش است. به این دلیل ساده که تا کارگران و زحمتکشان استثمار نشوند، قدرت بوجود نمی آید و نمی پاید. و

۲- قدرتهای استبدادی، خواه بنام کارگران و چه بنامی دیگر، برپا شده باشند، بر جا نمی ماندند. یا از درون، فرو می پاشند و یا از بیرون. راست بخواهید، در پیدایش و زوال هر قدرتی، عناصر داخلی و خارجی همدستی می کنند. و

۳- میزان ویرانگری نظامهای مختلفی که در قرن بیستم تجربه شدند، بسیار بالا و میزان ویرانگری سرمایه داری لیبرال باز هم بالاتر است. دلیل آنکه نظامهای دیگر زودتر از یاد درآمدند، خوب به قولی و «کمترین بد» بودن نظام سرمایه داری لیبرال، به قولی دیگر، نیست. بلکه ظرفیت ویرانگری بیشتر آنست.

درس سوم را هنوز همگان نیاموخته اند. اما هر روز که می گذرد، انسانهای بیشتری این درس را می آموزند. باشد که هنوز طبیعت و انسان در مهلکه بی راه نجات نیفتاده، همه این درس را بیاموزند، آزادی را هدف و روش کنند و زندگی بر میزان عدل را در این جهان میسر بگردانند.

### کارگران و زحمتکشان ایران بدانند!

مردمی که خود سر نوشت خویش را در دست نمی گیرند، سلطه گران سر نوشت آنها را در دست می گیرند و ستم بر آنها را مضاعف می گردانند. زیرا مردمی که توانائیهای خویش را از یاد می برند و اجازه می دهند سلطه گر بیگانه، ستمگری مستبدان را دست آویز مداخله کنند، گرفتار ستم مضاعف می شوند. در وطن خود، در شرق و غرب وطن خود، در افغانستان و عراق، در شمال و جنوب وطن خود، گرفتار این ستم مضاعف هستید. پس از چه رو بر نمی خیزید؟ از چه رو حق خویش را بر اداره جامعه خود طلب نمی کنید؟ از چه رو می گذارید پست ترین ها ایران را به ستم مضاعف تباه کنند؟ آیا هنوز تردید دارید که جمهور ایرانیان یک سر نوشت دارند. یا با هم آزاد می شوند و یا باهم به ستم ستمگران تباه می شوند؟ بر شماست که در جبهه آزادی شرکت جوئید و بر خیزید، بر همه ایرانیان است که به جبهه آزادی روی آورند و بخیزند. بر خیزند، دولت ستم براندازد و طرح نو آزادی را در اندازند. شما را جبهه های آزادگان بایسته است، شما را جبهه های توانا به مدیریت مردم سالار ایران، توانا به اداره ایران بر وفق اصول آزادی و استقلال و رشد بر میزان عدالت اجتماعی و معنویتی بایسته است که انسان را از مدار بسته قدرت، به بی کران آزادی راهبرد تا که او انسانیت خویش را باز شناسد و کمال بخشد.

شادی فطری خویش را از یاد نبرید. بیان آزادی و روش پیام آور آزادی، بیان راهنما و روش خویش بگردانید و با امید و شکیبائی به عرصه مبارزه استبدادیان در آئید و تردید نکنید که پیروزی در انتظار شما است.

۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۲ برابر ۱ ماه مه ۲۰۰۳ ابوالحسن بنی صدر